

جغرافیای سیاسی دریاها و اعتراض آمریکا به تعیین خط مبدأ ایران در خلیج فارس

کبری قامتی مجرد^۱
روح‌الله حسینی^۲
محبوبه صفایی مهر^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

چکیده

با این توصیف، این مقاله درصدد است تا با تشریح اختلاف مرزهای دریایی خلیج فارس، ادعاهای مطرح شده بر مرزهای ایران را با استفاده از رویکردی تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل بیانگر این است که به دلیل ویژگی‌های خاص خلیج فارس به‌عنوان یک دریای بسته و نیمه‌بسته و با توجه به حقوق بین‌الملل دریاها، تکلیف حقوقی این دریا توسط کشورهای اطراف آن تعیین می‌شود. از این رو دخالت آمریکا به‌عنوان قدرتی فرامنطقه‌ای در آنجا توجیه‌پذیر نیست و هر ادعایی که از طرف آمریکا منوط بر خط مبدأ ایران مطرح شود مردود است. بنابراین هرگونه ورود کشتی‌ها و ناوگان جنگی این کشور و متحدانش به آب‌های سرزمینی ایران تجاوز محسوب می‌شود.

یکی از مباحث مهم در جغرافیای سیاسی، جغرافیای سیاسی دریاهاست که در آن به موضوع مرزهای دریایی پرداخته می‌شود. اهمیت مرزهای دریایی و توجه به مالکیت قلمرو دریاها، اهمیت موقعیت خلیج فارس و مرزهای دریایی آن را به روشنی نشان می‌دهد. خلیج فارس دریایی بسته و نیمه‌بسته است که به وسیله گذرگاه تنگه هرمز به دریای عمان وصل و از این رو جزء دریاهای آزاد محسوب می‌شود و کشور ایران را از طرف جنوب به آب‌های آزاد مرتبط می‌سازد. واقع شدن خلیج فارس بر سر راه دریایی خاورمیانه و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن در منطقه باعث شده است تا ایالات متحده آمریکا در چندین سال گذشته با نادیده گرفتن حقوق ایران در منطقه، مرزهای خلیج فارس را از طریق تغییر در خط مبدأ ایران جدا کرده و مرزهای دریایی ایران را به چالش کشاند.

کلیدواژه

جغرافیای سیاسی دریاها؛ حقوق بین‌الملل دریاها؛
مرزهای دریایی؛ خط مبدأ؛ خلیج فارس.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). ghcobra313@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی. rohallah.hossieni@gmail.com
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی. mahboobe safaei@live.com

مقدمه

ایالات متحده چندین بار با شکایت به سازمان ملل مبنی بر صحیح نبودن مرزهای ایران، در خصوص خط مبدأ این کشور، سعی در تثبیت ادعاهای خود دارد. این در حالی است که تعیین مرزهای دریایی بین ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس انجام پذیرفته و فقط تعیین مرزهای دریایی با امارات و بعضی از این کشورها، هنوز به نتیجه نرسیده است.

این مقاله با بررسی صحت و سقم ادعاهای آمریکا در رابطه با اعتبار خطوط مبدأ ایران در خلیج فارس در پی پاسخگویی به این پرسش است که از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و کنوانسیون‌های حقوق دریاها، آیا ادعای ایالات متحده در مورد مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس مبنای حقوقی دارد؟ فرضیه تحقیق بیان می‌دارد که ادعای ایالات متحده مبنای حقوقی ندارد و مسئله اصلی اعتراض آمریکا به خط مبدأ تعیین شده از سوی ایران، خلیج فارس است که البته خطوط مبدأ ایران در خلیج فارس بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل دریاها ترسیم شده و کاملاً قانونی است. بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعه اسناد، کتاب‌ها، مقالات و مطالب نشر شده در سایت‌های اینترنتی به تجزیه و تحلیل اختلافات بین ایران و آمریکا پرداخته است.

۱. مبانی نظری

۱.۱. جغرافیای سیاسی دریاها

آنچه در ارتباط با مفهوم نظری جغرافیای سیاسی دریاها بیان شده است بسیار اندک و مفاهیم زیادی وجود ندارد؛ دکتر حافظ‌نیا «جغرافیای سیاسی دریاها را یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی می‌داند که رفتار، حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی و نقش عوامل و عناصر دریایی در سیاست دولت‌ها و روابط بین‌الملل را مطالعه می‌کند» (حافظ‌نیا، ۱۳۷۶: ۳). ارتباطات دریایی، بازرگانی، مسائل نظامی، منابع غذایی و انرژی‌های نو از جمله مواردی هستند که در جهت‌دهی به راهبردهای ملی کشورهای مرتبط با دریاهای آزاد نقش اساسی ایفا می‌کنند. بنابراین

یکی از موضوعات مهم در جغرافیای سیاسی؛ جغرافیای سیاسی دریاهاست که در آن رفتار و حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی و همچنین نقش عوامل و عناصر دریایی در سیاست دولت‌ها و روابط بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۷۶: ۳). این دانش، آن بخش از حقوق دریاها را دربر می‌گیرد که از ترکیبات سرزمینی یا فضایی برخوردار هستند. به عبارت دیگر، این موضوع در تخصص جغرافیدانان است که به بررسی تأثیر متقابل جغرافیا و اصول و قواعد حاکم بر روابط میان دولت‌ها و محیط دریاها و اقیانوس‌ها بپردازند و بسیاری از موضوعات روابط بین‌الملل که توجه جغرافیدانان سیاسی را در خشکی به خود جلب می‌نمایند زمانی است که به محیط‌زیست دریاها مربوط می‌شوند و در قلمرو جغرافیای سیاسی دریاها قرار می‌گیرند (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

بررسی جایگاه جغرافیای سیاسی خلیج فارس به عنوان دریایی نیمه‌بسته که از طریق دریای عمان به اقیانوس هند و آب‌های آزاد ارتباط دارد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تحدید حدود خلیج فارس با انعقاد عهدنامه‌هایی با کشورهای حاشیه آن در سال‌های متمادی انجام شده و در بعضی نواحی، مرزها تثبیت و حاکمیت آن مشخص شده‌اند؛ اما در بعضی نواحی هنوز اختلاف وجود دارد. در طی این سال‌ها ایران نیز به تعیین خط مبدأ خود در قلمرو خلیج فارس اقدام کرده است؛ اما ایالات متحده و کشورهای عضو اتحادیه اروپایی به خط مبدأ ایران اعتراض کرده و آن را به رسمیت نمی‌شناسند و با نادیده گرفتن این عهدنامه‌ها و زیر سؤال بردن خط مبدأ ایران، سعی در جابجایی مرزها داشته و با ایجاد چالش برای حاکمیت ایران، استراتژی ملی ایران را مورد تهدید قرار داده‌اند. این اختلاف موجب شده است که نیروهای آمریکایی حاضر در خلیج فارس در موارد متعدد مرتکب تجاوز به قلمرو دریایی ایران شوند.

در بر می‌گیرد که بر بیش از دوسوم کره زمین حاکم است. نکته مهم دیگر این است که در اعمال حاکمیت بر پهنه‌ای از دریا، تعامل مستمر در مباحث حقوقی، دیپلماسی، امنیتی، رعایت استقلال و منافع ملی در بین کشورهای ساحلی مطرح است. همچنین در قلمرو مغشوش عرف و سنت، مذاکره و مجادله، ادعا و ضد ادعا، همه دست در دست هم می‌دهند و به اصطلاح حقوقدانان «آنچه باید باشد»^۱ را تبدیل به «آنچه هست»^۲ می‌کند (صفوی و قنبری، ۱۳۹۰: ۴).

۱.۳. مباحث مهم حقوق بین‌الملل دریاها

بخش بزرگی از قواعد حقوق بین‌الملل دریاها همچون سایر موضوعات حقوق بین‌الملل زاینده توافق دولت‌ها است و مطابق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری عهدنامه‌های بین‌المللی اعم از عمومی یا خصوصی، از اصلی‌ترین منابع آن محسوب می‌شود. جامعه ملل اولین اقدام خود را در این مورد با تشکیل کنفرانس بین‌المللی در سال ۱۹۳۰م. انجام داد که ۴۷ کشور در آن شرکت داشتند (میرحیدر، ۱۳۶۵: ۵۸). در این کنفرانس مسائل دریایی، دریای ساحلی، کشتیرانی، نحوه بهره‌برداری از منابع دریا و غیره مورد بحث قرار گرفت ولی به نتیجه مورد توافق شرکت‌کنندگان نرسید. در ظاهر این کنفرانس با شکست روبه‌رو شد ولی از جهت طرح بحث‌ها و قرار گرفتن به‌عنوان مقدمهٔ مباحث بعدی مفید بود.

از دیگر معاهدات چند جانبه‌ای که به تدوین قواعد حقوق دریاها پرداخته است، کنوانسیون ۱۹۵۸ م. دربارهٔ دریای سرزمینی، دریای آزاد و فلات قاره و کنوانسیون ۱۹۸۲ م. دربارهٔ حقوق دریاها است. سازمان ملل این کنوانسیون را به‌عنوان اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق دریاها با شرکت ۸۶ کشور در سال ۱۹۵۸م. برگزار کرد. در این کنفرانس، چهار کنوانسیون دریای آزاد، دریای سرزمینی، منابع زنده دریایی و فلات قاره مورد بحث قرار گرفت که با وجود اختصاص

در جغرافیای سیاسی دریاها، موضوعاتی از قبیل مرزهای دریایی، عوارض جغرافیایی کرانه‌ها، تقسیم‌بندی دریا، قلمرو بستر دریا، تنگه‌های دریایی و منابع دریایی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۷۱). دکتر میرحیدر در تعریف جغرافیای سیاسی دریاها بیان می‌کند:

«جغرافیای سیاسی دریاها، تأثیرات متقابل جغرافیا و چگونگی تدوین حقوق بین‌الملل دریاها و نقش فرایندهای سیاسی و اقتصادی در شکل‌گیری قلمرو جغرافیای سیاسی دریایی است» (میرحیدر، ۱۳۶۵: ۵۷).

بدین ترتیب جغرافیای سیاسی دریاها، بخش مهمی از جغرافیای سیاسی را شامل می‌شود که دربارهٔ منازعه و کشمکش بر سر حاکمیت و مالکیت قلمروهای دریایی است. زمانی که این منازعه در مرزهای بین‌المللی دریا قرار می‌گیرد، بحث ژئوپلیتیک دریاها مطرح می‌شود و پس از تفاهم میان دولت‌ها بر سر مرز که تثبیت مرز را در پی دارد، مطالعه در قالب جغرافیای سیاسی دریاها صورت می‌گیرد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۹).

۱.۲. حقوق بین‌الملل دریاها

حقوق بین‌الملل دریاها یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گرایش‌های حقوق بین‌الملل است که در تعریفی کلی؛ به مجموعه قواعد و مقرراتی اطلاق می‌شود که به تنظیم روابط کشورها در مناطق دریایی، حفاظت از محیط زیست دریایی، پژوهش‌های علمی و انتقال فناوری بین کشورها می‌پردازد (طلایی، ۱۳۹۰: ۳). بدیهی است حقوق بین‌الملل دریاها که بر همهٔ دریاها و اقیانوس‌های جهان حاکم است، مجموعه مقرراتی را در بر می‌گیرد که بر روابط میان دولت‌های ساحلی و دولت‌های محصور در خشکی و یا سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با مناطقی از دریا تعریف شود که می‌تواند تحت صلاحیت یک دولت ساحلی و یا در ماوراء صلاحیت دولت‌ها باشد (والاس، ۱۳۷۸: ۲۰). همچنین شکل سواحل از مهم‌ترین عوامل جغرافیایی در تدوین حقوق بین‌الملل دریاهاست، چراکه هر شکل جغرافیایی، قوانین خاص خود را می‌طلبد (Prescott, 1996: 288).

1. Lex Ferenda
2. Lex Lata

«از لحاظ این کنوانسیون دریای بسته و نیمه بسته به معنای یک خلیج، حوزه رودخانه و یا دریایی است که به وسیله دو یا چند دولت احاطه و توسط یک معبر باریک به دریای دیگر یا اقیانوس مرتبط شده باشد که به طور کامل و یا به طور عمده شامل دریاها و سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی است».

متعاقب این ماده، ماده ۱۲۳ دولت‌های عضو کنوانسیون را در مورد بهره‌برداری منابع زنده، حفاظت محیط‌زیست و تحقیقات علمی، تشویق به همکاری می‌کند. تکالیف مندرج در این ماده برای کشورهای ساحلی کاملاً داوطلبانه بوده و الزام‌آور نیست، بنابراین دولت‌ها وظیفه خاصی به لحاظ هماهنگی با یکدیگر ندارند و در عین حال حقوقی درباره کنترل کشتیرانی به آنها داده نشده است، از این رو رژیم خاصی از نظر حقوقی در خلیج فارس به عنوان یک دریای بسته یا نیمه بسته حاکم نیست (ibid:285). بر اساس حقوق دریاها منابع جاندار و غیر جاندار در خلیج فارس به کشورهای کرانه آن تعلق دارد ولی نواحی خارج از محدوده حاکمیت و صلاحیت ملی از نظر کشتیرانی در حکم دریای آزاد است (میرحیدر و عسکری، ۱۳۸۲: ۱۰۲). همچنین ماده ۳۳ کنوانسیون جدید حقوق دریاها به بحث پیرامون منطقه نظارت و یا منطقه پیوسته اختصاص دارد و ماده‌های ۶، ۱۶، ۴۵ و ۴۷ مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی و ماده ۸۵ مربوط به حدود بیرونی فلات قاره، به مسائل مربوط به مرزهای دریایی این مناطق از طریق نقشه اشاره می‌کند (Roseme, 1996: 327).

یک کنوانسیون برای دریای سرزمینی دستیابی به حد مشخصی برای دریای سرزمینی حاصل نشد و کشورها همچنان از ۳ تا ۱۲ مایل جهت استفاده به عنوان دریای سرزمینی خود قائل بودند. به همین دلیل سازمان ملل مجبور شد در سال ۱۹۶۰ م. دومین کنفرانس حقوق دریاها را در ژنو برگزار کند که آن هم به نتیجه‌ای نرسید (Glassner, 1973:474)؛ جغرافیدانان در این کنفرانس‌ها، بیشتر در خصوص مسائل دریاها و گسترش حاکمیت سرزمین به ایراد سخنرانی پرداختند (Adhikari, 1997: 225). کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها که امروزه به عنوان یک سند قانونی و حقوقی رسمیت بین‌المللی دارد و ناظر بر رفتار دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی و روابط فی مابین است، در ۳۲۰ ماده، ۹ پیوست و ۱۷ بخش به این شرح است: (۱) تعریف اصطلاحات، (۲) دریای سرزمینی و منطقه مجاور، (۳) تنگه‌های مورد استفاده دریانوردی بین‌المللی، (۴) دولت‌های مجمع‌الجزایری، (۵) منطقه انحصاری - اقتصادی، (۶) فلات قاره، (۷) دریاهای آزاد، (۸) رژیم جزایر، (۹) دریاهای نیمه بسته و بسته، (۱۰) حق دسترسی و عبور آزاد کشورهای محصور در خشکی به دریا، (۱۱) منطقه میراث مشترک، (۱۲) حفاظت از محیط‌زیست دریایی، (۱۳) تحقیقات علمی دریایی، (۱۴) توسعه و انتقال فناوری دریایی، (۱۵) تسویه منازعات، (۱۶) مقررات عمومی و (۱۷) شرایط نهایی (United Nations, 1983 & Green, 1987: 202). در ماده ۱۲۲ این کنوانسیون آمده است:



شکل ۱. قلمروهای دریایی بر اساس کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها (۱۹۸۲)
منبع: (میرحیدر، غلامی، میراحمدی: ۱۳۹۳)

۱.۴. مرزهای دریایی

مرزهای دریایی از مباحث مهم در جغرافیای سیاسی است. هر کشور ساحلی به علت ارتباط مرز دریایی با کشورهای مجاور، جهت اعمال حاکمیت بر قلمرو دریایی و تحدید حدود خود با دیگران تلاش می‌کند (احمدی دهکاء، ۱۳۹۲: ۶۹). مرزهای دریایی برخلاف مرزهای خشکی، هویت و کارکرد یکسانی ندارند و هرکدام از آنها هویت، مشخصات و حدود صلاحیت و حاکمیت خاص خود را دارند (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۱۴۹). از نظر جغرافیای سیاسی این‌گونه مرزها ماهیت تقاطعی و تداخلی دارند به طوری که حقوق و منافع دولت ساحلی با سایر دولت‌های درون آن تداخل می‌یابد، هرچند چهارچوب این حقوق در کنوانسیون ۱۹۸۲ م. تا اندازه زیادی روشن شده است. وجود قلمروهای متداخل در مرزهای متنوع دریایی یکی از پدیده‌های جدید و جالب توجه در جغرافیای سیاسی است که عرصه تازه‌ای را در مطالعات جغرافیای سیاسی دریاها بر روی جغرافیدانان سیاسی می‌گشاید (همان: ۱۵۰).

۱.۵. مرزهای آبی خاص

با توجه به اینکه در حوزه آب‌های آزاد، مرز به دو نوع سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شود، از این رو به طور مختصر به هرکدام از آنها اشاره می‌شود:

مرز سیاسی: بر اساس آخرین مصوبات سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ م. به خط فرضی گفته می‌شود که فاصله‌ای برابر با ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ ساحل هر کشور دارد. هیچ کشوری حق ورود به مرزهای سیاسی کشور دیگر را ندارد - مگر در محل‌های عبور اجباری - و حتی زیردریایی‌ها نیز برای عبور از این مناطق باید به سطح آب بیایند. کشورهای دارای مرز آبی برای مشخص شدن مرز در سطح آب باید از وسایلی همچون چراغ، چوب‌پنبه و کابل استفاده نمایند که این موضوع در خلیج فارس استفاده نشده است.

مرز اقتصادی: به منظور بهره‌برداری از منابع داخل آب (صید ماهی و میگو، استخراج خاک سرخ و بهره‌برداری از

منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز و غیره) در سرزمین‌های زیر فلات قاره و بر اساس موافقت‌نامه منعقد شده بین ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس در سال ۱۹۷۵ م. خط منصف تعیین شد. با توجه به لزوم رعایت بهره‌برداری از منابع در منطقه فلات قاره، امکان بهره‌برداری و استخراج از منابع زیرزمینی دریا برای کلیه کشورهای خلیج فارس در محدوده مرزی هر کشور وجود دارد (عزتی، ۱۳۹۳: ۱۴).

۱.۶. تحدید حدود دریایی

تحدید حدود دریایی به معنی تفکیک مرز دریایی یک دولت از دولت دیگر از طریق خط مرزی است. این واژه با مفهوم تعیین حدود دریایی یا تخصیص که ناظر به تعریف مناطق دریایی یک کشور بر اساس قوانین داخلی خود است، تفاوت دارد (Ong, 1999: 783). تعیین حدود دریایی در بسیاری از موارد به لحاظ تلاقی با محدوده حاکمیت سایر دولت‌ها، با مقوله تحدید حدود رابطه نزدیک دارد.

دو کنوانسیون اصلی حقوق دریاها، یعنی کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گوبی در وهله نخست، امر تحدید حدود را به توافق دولت‌ها واگذار کرده‌اند، در صورت دست نیافتن به چنین توافقی ممکن است موضوع به یک مرجع حل و فصل اختلافات محول شود. به طور کلی در خصوص تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی دو دیدگاه وجود دارد؛ یک دیدگاه تابع قاعده ترسیم خط منصف یا متساوی‌الفاصله و توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص است که در ماده ۶ کنوانسیون فلات قاره ۱۹۵۸ ژنو متجلی است. دیدگاه دوم که در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال بازتاب یافته است، بیشتر به رویکرد انصاف متمایل بوده و قاعده خط منصف را تجلی حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌داند؛ یا به نحوی که در قضیه فلات قاره تونس به لیبی نیز تأکید شده، اعمال خط مذکور را تا جایی مفید می‌داند که نتیجه آن منصفانه باشد (ICJ Report 1980, Tunisia/Libya, Para. 108).

بنابراین می‌توان گفت که رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری و قاعده پذیرفته شده در آن برای تحدید حدود، حصول نتایج منصفانه است، هرچند که این نتایج با توسل به راهکارهایی چون ترسیم خط منصف محقق شود. البته در قاعده مذکور لازم است شرایط و اوضاع و احوال خاصی مانند سابقه ماهیگیری، شکل و مسیر سواحل، وجود جزایر و ادعاها و حقوق تاریخی مدنظر قرار گیرد (Roughton, 2008: 7).

۱.۷. خط مبدأ

خط مبدأ مرز بین آب‌های داخلی و دریای سرزمینی است که از آن حدود خارجی قلمروهای دریایی دولت‌های ساحلی شامل دریای سرزمینی، منطقه مجاور (یا منطقه نظارت)، منطقه انحصاری اقتصادی و قلمرو فلات قاره تعیین می‌شود. تلاش برای تعیین خط مبدأ در کنفرانس ۱۹۳۰ لاهه آغاز شد، ولی در سال ۱۹۵۸ م. کنوانسیون ژنو، موادی را درباره خط مبدأ برای تعیین دریای سرزمینی و منطقه نظارت تعیین کرد. بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲، کشورها در ساحل خود از دو نوع خط مبدأ عادی و مستقیم برخوردارند. بر اساس ماده پنجم این کنوانسیون خط مبدأ عادی، خط پست‌ترین جزر آب در امتداد ساحل است که بر روی نقشه‌هایی با مقیاس بزرگ، رسماً توسط دولت ساحلی تعیین می‌شود. این نوع خط مبدأ برای کشورهایی استفاده می‌شود که ساحلی مستقیم و بدون بریدگی داشته باشند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۷).

در صورتی که بریدگی‌های ساحلی زیاد و عمیق باشند، برای تعیین مرز دریایی از روش رسم کمان‌های دایره استفاده می‌شود. طبق این روش ابتدا نقاطی را روی خط مبدأ در محل بریدگی‌های عمیق انتخاب می‌کنند و سپس به مرکز این نقاط و شعاع متناسب با عرض دریای سرزمینی مورد ادعا، کمان‌های نیم‌دایره رسم می‌کنند. با اتصال این کمان‌ها مرز دریایی سرزمینی که به‌طور دقیق به موازات خط مبدأ است، ترسیم خواهد شد. اگر در کنار ساحل آبسنگ‌ها، آب‌تل‌ها، جزایر مرجانی و صخره‌هایی وجود داشته باشند که فقط در هنگام

جزر از زیر آب بیرون می‌آیند، تعیین خط مبدأ با اشکال روبه‌رو می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۱۷۶). گذشته از این، به جز خط مبدأهایی که در امتداد علامت جزر ترسیم می‌شود، خط مبدأ دیگری وجود دارد که از اتصال نقاط انتخابی به دست می‌آید. این روش برای اولین بار در سال ۱۸۶۹ م. از سوی دولت نروژ اتخاذ شد (همان: ۱۷۹). به‌طور کلی بنا بر ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۸۲، نظام خطوط مبدأ مستقیم را می‌توان برای استفاده در محل‌هایی که خط ساحل بسیار مضرس (دندان‌دار) و بریده است یا حلقه‌ای از جزایر در امتداد ساحل و در نزدیکی آن است به کار برد، مشروط بر اینکه:

۱. خطوط مستقیم باید طوری ترسیم شود که به‌طور فاحش از مسیر طبیعی ساحل فاصله نداشته باشد.
۲. ترسیم خطوط مستقیم به گونه‌ای باشد که مناطق واقع در بین این خطوط به اندازه کافی متصل و نزدیک به قلمرو خشکی باشند تا بتوان آنها را در زمره آب‌های داخلی در نظر گرفت.
۳. خطوط مبدأ مستقیم را نمی‌توان از برآمدگی‌هایی که هنگام جزر نمایان می‌شود ترسیم کرد، مگر اینکه تأسیساتی نظیر چراغ‌های دریایی که همیشه در سطح بالای آب و بر روی این برجستگی‌ها هستند مورد قبول سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته باشد.
۴. نمی‌توان خطوط مستقیم را طوری ترسیم کرد که دریای سرزمینی کشور را از دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی جدا نماید - این مورد استثناء است و بیشتر در دریای اژه و در رابطه با ترکیه مطرح است - اگر ترکیه خطوط مبدأ مستقیم ترسیم کند دریای سرزمینی جزایر یونان از منطقه آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی جدا خواهد شد.
۵. در صورتی که دولتی ثابت کند که در ترسیم خطوط مبدأ مستقیم دارای منافع اقتصادی اساسی برای مردم ساحلی است (نه برای کل کشور) می‌تواند از این خطوط استفاده نماید. همچنین دولت‌ها می‌توانند از دو سیستم خط مبدأ استفاده کنند، مانند ایران که بر اساس تصویب‌نامه ۱۳۵۲ خط مبدأ دریای سرزمینی در خلیج فارس و دریای عمان، خطوط مستقیم است و در تنگه هرمز حد پست‌ترین جزر در امتداد ساحل است.

۲. یافته‌های تحقیق

۲.۱. اهمیت موقعیت خلیج فارس

خلیج فارس پهنه‌ای آبی به درازای ۶۰۰ مایل است که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌کند. این منطقه یکی از مهم‌ترین آبراهه‌های استراتژیک جهان است که در باریک‌ترین نقطه ۳۴ مایل پهنا دارد. منطقه‌ای که خلیج فارس نامیده می‌شود، دربرگیرنده هشت کشور شامل ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان است. بیشترین ساحل این منطقه به ایران تعلق دارد و بر اساس توافقی که در دهه ۱۹۶۰ م. بین ایران و انگلیس صورت گرفت، بیش از ۵۱ درصد خلیج فارس از آن ایران است (عسکری، ۱۳۸۱: ۵۰).

امروزه موقعیت جغرافیایی نقش مهمی میان کشورها بر سر قلمروهای دریایی دارد. در این زمینه می‌توان به وضعیت قطب شمال و مباحثی اشاره کرد که از سال ۲۰۰۷ م. بر اثر نازک شدن و آب شدن یخ‌ها بین روسیه و کشورهای آمریکا و کانادا، دانمارک و نروژ بر سر قلمروسازی و تعیین حدود فلات قاره بیرونی به وجود آمده است (Dodds, 2010: 65). هر یک از کشورها به دنبال یافتن شواهد جغرافیایی برای گسترش قلمرو دریایی و در نتیجه، دستیابی به منابع طبیعی موجود در قطب شمال است (Strandsbjerg, 2010: 17). انرژی در صنعت قرن بیست‌ویکم از اهمیت بسیاری برخوردار است و منطقه خلیج فارس با بزرگ‌ترین و متمرکزترین میادین نفت و گاز از مهم‌ترین نقاط دارای این منابع در جهان است که نقش اساسی در تأمین انرژی جهان در گذشته و آینده داشته و خواهد داشت. امروزه، نفت کالایی استراتژیک است و وجود منابع عظیم نفت و گاز از مهم‌ترین عوامل استراتژیکی در این منطقه محسوب می‌شود (عزتی، ۱۳۹۳: ۹). این منطقه در حدود ۶۷۹ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت - نزدیک به ۶۶ درصد از کل ذخایر جهان - و ۱۹۱۸ تریلیون فوت مکعب ذخیره گازی - ۳۵ درصد کل ذخایر گاز جهان - را در خود جای داده است (U. S Energy

Information, 2002: 21). بنابراین منطقه خلیج فارس یکی از نقاط بسیار مهم و حساس جهان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است.

۲.۲. جایگاه حقوقی خلیج فارس

در آستانه دهه ۱۹۶۰ م. تنها ۲۰ منطقه در جهان مشمول تعریف حقوق بین‌الملل دریاها شناخته شدند، خلیج فارس یکی از آن مناطقی بود که حق مالکیت برای آن ایجاد و مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفت (خادم‌الحسینی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

۲.۳. خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس

خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس و حتی دریای عمان در یک فرایند چند مرحله‌ای به تصویب رسیده‌اند. شناخت این مراحل برای بررسی اعتراضات کشورهای چون آمریکا به خطوط مذکور ضروری است.

در مرحله نخست، دولت ایران به موجب تصویب‌نامه اصلاح قانون تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت در تاریخ ۱۳۵۲/۴/۳۰، خط مبدأ مستقیمی که از ۲۵ نقطه در امتداد ساحل و جزایر نزدیک به ساحل به وجود آمده بود را به تصویب رساند تا بر اساس آن مناطق مختلف دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان اندازه‌گیری شوند. به دنبال آن کامل‌ترین قانون درباره مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان که در پی کنوانسیون سوم سازمان ملل و متأثر از مواد جدید آن تدوین شده بود، در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۱۲ به تصویب قوه مقننه رسید (میرحیدر، ۱۳۸۹: ۵۱۲) و وزارت امور خارجه در خصوص تعیین خط مبدأ ایران که مبنای تعیین حدود سایر مناطق دریایی است، از دهانه فاو تا خلیج گواتر را ۲۵ نقطه مشخص کرد که از این نقاط ۱۴ نقطه آن در خلیج فارس واقع شده است.

نقطه اول در مصب اروندرود و در محل تلاقی خط تالوگ و خط فرضی مستقیم که دو کناره مدخل ورودی رود را به هم

داخلی محسوب می‌شود؛ بنابراین آب‌های بین خشکی ایران و جزیره خارک، لاوان، کیش، قشم، هنگام، لارک و هرمز آب داخلی محسوب می‌شوند. همچنین طبق قانون یادشده، عرض دریای سرزمینی ایران ۱۲ مایل از خط مبدأ به سمت داخل آب‌ها است. جزایر متعلق به ایران اعم از اینکه داخل یا خارج دریای سرزمینی باشند، طبق این قانون دارای دریای سرزمینی مخصوص به خود هستند. بر این اساس دریای سرزمینی ایران منطقه وسیعی از خلیج فارس را شامل می‌شود و در منطقه جزایر فارور، تنب، ابوموسی تا اعماق خلیج فارس گسترش می‌یابد (حافظ‌نیا: ۱۳۸۷: ۳۳۷)؛ اما هنوز، این قوانین دستاویز اعتراضات دولت‌های دیگر و به‌خصوص آمریکا به خطوط مبدأ مستقیم ایران در خلیج فارس قرار گرفته است.

۲.۴. اعتراض به خط مبدأ ایران در خلیج فارس

با توضیحاتی که در مطالب بالا در ارتباط با خط مبدأ ایران در خلیج فارس داده شد، تصویب قانون تحدید حدود از سوی دولت ایران در مقطع زمانی ۱۹۸۰-۱۹۷۸ م. به طور رسمی در سطح بین‌المللی منتشر گردید. با این وجود تا

متصل می‌کند؛ نقطه دوم در ساحل بهرگان، نقطه سوم در جنوب جزیره لارک، نقطه چهارم در جنوب جزیره نخیلو، نقطه پنجم در جنوب جزیره لاوان، نقاط ششم و هفتم در جنوب جزیره کیش، نقطه هشتم در ساحل بندرلنگه و نقطه نهم در جنوب غربی قشم، نقطه دهم در جنوب جزیره هنگام، نقاط یازدهم و دوازدهم در جنوب و شرق جزیره لارک، نقطه سیزدهم در جزیره هرمز و نقطه چهاردهم در جنوب بندرعباس قرار دارند (احمدی دهکاء، ۱۳۹۲: ۷۳). نقاط پانزدهم به بعد، در ساحل دریای عمان و در منتهی‌الیه پیشرفتگی‌های خشکی در آن واقع است و نقطه بیست و پنجم در محل خلیج گواتر، نقطه تلاقی خط جزر با نصف‌النهار ۶۱ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳ ثانیه قرار دارد.

بنابراین بر اساس قانون دریایی مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۲، حقوق حاکمیت ایران بر قلمروهای دریایی شامل: منطقه دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مورد تأیید قرار گرفت. مطابق این قانون آب‌های واقع در میان سواحل و خط مبدأ و نیز جزایری که فاصله آنها کمتر از خط مبدأ است، آب‌های



شکل ۲. مرزهای دریایی ایران براساس قانون دریایی مصوب ۱۳۷۲. منبع: (احمدی دهکاء، ۱۳۹۲: ۶۹)

در حالی که در خط ساحلی، در نزدیکی بیشتر پاره‌خط‌ها بسیار صاف است. در نیمه خط مبدأ مناسب تقریباً برای تمام ساحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان، خط مبدأ عادی و خط جذر است (رنجبران و صیرفی، ۱۳۹۲: ۵۷). آمریکا بر این موضوع تأکید دارد که حداکثر طول هر قسمت از خطوط مبدأ مستقیم نباید از ۲۴ مایل بیشتر باشد، حال آنکه این ادعا هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد (ممتاز و رنجبران، ۱۳۷۵: ۱۰۲-۱۰۳). بنابر ادعای دولت آمریکا، این اعتراض نه به انگیزه‌های سیاسی بلکه برای تبیین موضع حقوقی این دولت و اعمال همان سیاستی است که دولت آمریکا از سال‌های قبل تاکنون در پیش داشته است و بر اساس آن به هرگونه محدود کردن آزادی کشتیرانی از طریق گسترش آب‌های داخلی مقابله شده است. در این اعتراض تصریح شده است که اعتراض به ایران نه فقط منحصر به ایران، بلکه بخشی از تلاش جهانی آمریکا برای حفظ و حراست حقوق و آزادی‌های شناخته شده جهانی به نفع جامعه بین‌المللی است (Law of the Bulletin, 1994: 115).

با این تفاسیر دولت آمریکا حدود دریای سرزمینی و منطقه نظارت ایران را آن‌طور که ایران این حدود را تعریف کرده است به رسمیت نمی‌شناسند و بر این موضوع تأکید دارد که بعضی از مقررات قانون مناطق دریایی و تصویب‌نامه ۱۳۵۲ مغایر با حقوق بین‌الملل است و ایالات متحده، حقوق خود و اتباع خود را از این حیث محفوظ می‌دارد (Law of the Bulletin, 1994: 101). بدین ترتیب آمریکا خود را ملتزم به اجرای مقررات دریای سرزمینی و منطقه نظارت مدنظر ایران ندانسته و پایبند و متعهد به آن نیست. آمریکا برای بی‌اعتبار کردن خطوط مبدأ ایران در خلیج فارس و حتی دریای عمان، تاکنون بارها مرزهای دریایی ایران را نقض کرده است؛ حادثه ره‌گیری پهباد آمریکایی در ۱۱ آبان سال ۱۳۹۱ و همچنین تجاوز نیروهای دریایی آمریکا به آب‌های سرزمینی ایران در ۲۳ دی ۱۳۹۴، از جمله رویدادهایی است که آمریکا خطوط مبدأ ایران در آب‌های سرزمینی را نقض کرده است.

سال ۱۹۹۴ م. هیچ اعتراضی به این خط مبدأ به عمل نیامد. تنها بعد از تصویب قانون مناطق دریایی بود که اعتراضات به این خط مبدأ شروع شد. آمریکا با اجرای برنامه آزادی دریانوردی از سال ۱۹۷۹ م. تاکنون و بنا بر آماری که از سال ۱۹۹۲ م. منتشر شده است، در اجرای این قانون ۱۱۰ مورد اعتراض رسمی انجام داده است و قطعاً از آن زمان تاکنون بر تعداد اعتراضاتش افزوده است که به‌طور یقین یکی از اهداف اصلی این برنامه، مناطق دریایی ایران بوده و هست (رنجبران و صیرفی، ۱۳۹۲: ۵۵). بنابراین نخستین دولتی که به خط مبدأ ایران در خلیج فارس اعتراض کرد، دولت آمریکا بود؛ و این کشور مهم‌ترین و سرسخت‌ترین منتقد خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان، است.

آمریکا در زمان تصویب قانون ۱۳۵۲ و حتی بعد از آن به این قانون هیچ‌گونه اعتراضی نداشت تا اینکه در سال‌های بعد به اهمیت خطوط مستقیم آن پی برد و طبیعتاً نمی‌توانست خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان را تحمل کند؛ لذا در فرصت مناسب با اجرای طرح «برنامه آزادی دریایی» به خط مبدأ ایران اعتراض کرد. به نظر می‌رسد که تصویب قانون مناطق دریایی این فرصت را برای آمریکا فراهم آورد تا با انتشار این قانون در شماره ۲۴ بولتن حقوق دریاها در دسامبر ۱۹۹۳، راه را برای هیئت نمایندگی دائم آمریکا در سازمان ملل هموار سازد تا طی یادداشتی به تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۴ خطاب به دبیر کل سازمان ملل به مفاد قانون مناطق دریایی اعتراض کند (Law of the Bulletin, 1994: 101). اگرچه در این یادداشت به مقررات مختلف قانون مناطق دریایی ایراد شده، اما نحوه تنظیم یادداشت نشان می‌دهد که دغدغه اصلی آمریکا خط مبدأ مقرر در تصویب‌نامه بوده است. آمریکا با تذکر مقررات کنوانسیون حقوق دریاها اعتراض خود به خط مبدأ ایران بدین نحو تبیین می‌کند؛ به‌رغم اینکه خط ساحلی ایران فقط در موارد نادر عمیقاً مضرس یا دارای زنجیره‌ای از جزایر نزدیک ساحل است. ایران در امتداد قسمت اعظم خط ساحلی خود، خطوط مبدأ مستقیم را به کار برده است؛



شکل ۳. نقشه خط مبدا و دریای سرزمینی و طرح های تفکیک تردد در خلیج فارس
منبع: (<https://www.tabnak.ir/fa/tags/75114/1>)

دریای سرزمینی برگزیده است. در زمان تصویب این قانون، دولت و مجلس ایران از مقررات کنوانسیون نیز مطلع بوده‌اند و بر این اساس مغایرتی بین قوانین ایران و کنوانسیون در این زمینه وجود ندارد. همچنین ایران در مورد منطقه نظارت، قاعده ۲۴ مایل را طبق ماده ۳۳ کنوانسیون اعمال می‌کند. این قانون، تعیین حدود منطقه انحصاری اقتصادی را مطابق ماده ۷۴ کنوانسیون به قراردادهای دوجانبه با کشورهای مقابل و مجاور احاله نموده است و این امر نیز مشکل جدی محسوب نمی‌شود. در مورد محدوده فلات قاره نیز قانون سکوت کرده و عملاً به حقوق بین‌الملل ارجاع داده است. در این زمینه هم سه قرارداد منعقد شده با کشورهای همسایه و هم کنوانسیون ۱۹۸۲ قابل اعمال خواهد بود که نسبت به کنوانسیون ۱۹۵۸ عادلانه‌تر به نظر می‌رسد، زیرا کنوانسیون ۱۹۵۸ «قابلیت بهره‌برداری» را در تعریف فلات قاره قرار داده بود که می‌توانست با قدرت فناوری کشور ساحلی مرتبط باشد، اما کنوانسیون ۱۹۸۲ این محدوده را دقیقاً تعیین کرده است (همان: ۶۶۸). بنابراین از آنجا که محدوده وسعت منطقه حاکمیت ایران در خلیج فارس با منافع و حدود حاکمیت کشورهای همسایه خود در حاشیه جنوبی خلیج فارس تقارن

۲.۵. رویکرد ایران به کنوانسیون حقوق دریاها در پاسخ به اعتراض آمریکا به خط مبدا

در تعیین حدود دریای سرزمینی مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲، حداکثر ۱۲ مایل دریایی برای این منظور تعیین شد. البته ایران علاقه‌مند به داشتن دریای سرزمینی گسترده‌تری است؛ اما در تعیین خطوط مبدا خود از هر دو روش خط مبدا عادی و مستقیم - مندرج در کنوانسیون - طبق نقشه مصوب سال ۱۳۵۲ دولت، استفاده کرده است. استفاده ایران از این روش در تعیین خط مبدا، آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز را محدود می‌کند که این امر مورد اعتراض دولت آمریکا واقع شده است (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۶۱). از آنجا که تحدید حدود فلات قاره ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با توجه به خطوط مبدا ذکر شده صورت گرفته و آمریکا نیز عضو کنوانسیون نبوده است، در این زمینه چهار قرارداد در سال‌های ۱۹۶۸م، ۱۹۶۹م، ۱۹۷۱م و ۱۹۷۴م به ترتیب با عربستان سعودی، قطر، بحرین و عمان منعقد شد (چرچیل و لو، ۱۳۸۵: ۶۴۵).

از این رو ماده ۲ قانون مناطق دریایی ایران مصوب سال ۱۳۷۲، عرض ۱۲ مایل را که منطبق بر کنوانسیون است برای

همچنین ایران مواضع دولت آمریکا در مورد نحوه ترسیم خطوط مبدأ مستقیم را نقد کرده است و بیان می‌دارد:

«در حقوق بین‌الملل هیچ ضابطه‌ای در مورد حداکثر طول هر پاره خط خطوط مبدأ وجود ندارد و ادعای ایالات متحده در مورد ۲۴ مایل دریایی، فاقد مبنای حقوقی است» (رنجبران و صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

از نظر ایران در ترسیم خط مبدأ ایران در خلیج فارس اقدام لازم جهت اعمال ضوابط بین‌المللی که در کنوانسیون حقوق دریاها انعکاس یافته‌اند، رعایت شده است. از جمله اینکه ترسیم خطوط مبدأ مستقیم نباید به گونه‌ای باشد که به طور محسوس از جهت کلی ساحل منحرف شوند (همانجا).

۳. تجزیه و تحلیل

پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش که؛ از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و کنوانسیون‌های حقوق دریاها، آیا ادعای ایالات متحده در مورد مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس مبنای حقوقی دارد؟ فرضیه زیر را مطرح کرده است.

پیدا می‌کند، منطقی است که اختلاف‌های مرزی در دریا و خشکی با کشورهای هم‌جوار و مقابل بایستی با تفاهم و مذاکره و در نهایت عقد قرارداد حل و فصل شود. برای این مقصود در مرحله اول باید کشورهای منطقه به حل اختلاف فی مابین به شکل مسالمت آمیز تمایل داشته باشند. به عبارت دیگر عامل اصلی برای نیل به تفاهم، مذاکره سیاسی در محیطی دوستانه و دور از ارباب است (کاظمی، ۱۳۷۴: ۵۳).

بر این اساس ایران در پاسخ به اعتراض دولت آمریکا به مسئله خط مبدأ و با استناد به تصویب‌نامه شماره ۲/۲۵۰۶۷ مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۵۲ (۲۲ ژوئیه ۱۹۷۳) این چنین پاسخ می‌دهد:

«کاربرد خطوط مبدأ مستقیم یک اقدام غیرعادی نیست چه اینکه دیگر کشورها در شرایط مشابه همین روش را به کار برده‌اند. دلیل تأکید مجدد بر تصویب‌نامه ۱۹۷۳ این است که زمان اجرای این تصویب‌نامه و به‌رغم انتشار آن در مجموعه‌های منتشرشده از ناحیه دبیرخانه ملل متحد، تاکنون هیچ اعتراضی به آن نشده است و جمهوری اسلامی ایران این امر را به‌مثابه به رسمیت شناخته شدن محتوای (تصویب‌نامه) می‌داند» (Law of the Bulletin, P, 1994: 150).



شکل ۴. حدود قلمروها (مناطق) دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان.
منبع: (اله‌وردی زاده و حافظ‌نیا: ۱۳۹۴ و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح: ۱۳۸۹)



شکل ۵. روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس
منبع: (میرحیدر و دیگران: ۱۳۸۶).

۱. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی؛
۲. در اختیار داشتن تمام سواحل شمالی خلیج فارس؛
۳. در اختیار داشتن تنگه هرمز؛
۴. ظرفیت بالقوه انرژی (تأسیسات عظیم نفتی، گازی و پتروشیمی) در دو بخش ساحل و فراساحل؛
۵. هم‌جواری با کشورهای جنوبی خلیج فارس و همچنین جایگاه اول ناوگان تجاری در منطقه خلیج فارس.

چنانچه پیداست قلمروهای دریایی بر اساس خط مبدأ اندازه‌گیری می‌شوند، از این‌رو تغییر در خط مبدأ ایران به منزله تغییر در قلمروهای دریایی و از دست دادن منافع ملی است. اگر ایالات متحده آمریکا حقوق ایران در این مناطق را نپذیرد و خط مبدأ ایران را به دلیل دوری زیاد از ساحل قبول نکند، این موضوع به معنای از دست رفتن بعضی از منافع و عقب‌نشینی مرزهای دریایی ایران است. در این صورت با عبور و مرور ناوهای جنگی و تجاری آنها، صلاحیت ایران در منطقه نادیده انگاشته شده و استراتژی امنیت ملی ایران، تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

این فرضیه مطرح می‌کند که ادعای ایالات متحده مبنای حقوقی ندارد و مسئله اصلی اعتراض آمریکا به خط مبدأ تعیین شده توسط ایران، خود منطقه خلیج فارس است و از آنجاکه خطوط مبدأ ایران در خلیج فارس بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل دریاها ترسیم شده است و آنچه مدنظر آمریکاست وجهه قانونی ندارد و این ادعا از طرف ایران رد شده است. چنانچه این ادعا مبنی بر پذیرش خط مرزی مدنظر آمریکا به اثبات برسد، ایران بخش عمده‌ای از قلمروهای دریایی و همچنین منابع انرژی خود را از دست خواهد داد. بدین ترتیب طبق معاهده‌های بین‌المللی و عدم امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ از طرف ایالات متحده، ادعای آمریکا مردود و ورود ناوگان‌های ایالات متحده و متحدانش به مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس، تجاوز به حریم دریایی ایران محسوب می‌شود.

پیش از ارزیابی فرضیه بالا، یادآوری می‌شود که مرزهای دریایی و خط مبدأ ایران در خلیج فارس به دلایل زیر از اهمیت بالایی برخوردارند؛

ساحل بسیار بی ثبات است. از این رو ایران بر اساس موقعیت دوم اقدام به ترسیم خطوط مبدأ کرده که با مخالف آمریکا و همراهی دیگر کشورها مواجه شده است.

برای توجیه اقدام ایران که بعضاً هیچ گونه اعتراض سیاسی یا حقوقی نیز به آن وارد نشده است، زمینه‌های فراوانی وجود دارد. مطابق قوانین مصوب تعیین حدود آب‌های ساحلی و منطقه نظارت دولت در دریا در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۳؛ خط مبدأ، حد پست‌ترین جزر در طول سواحل تعیین شده است. در مورد خورها (خلیج‌های کوچک) نیز خط مبدأ عبارت است از خط مستقیمی که دو دهانه خلیج را به هم وصل می‌کند. در صورتی که عرض دهانه خلیج از ۱۰ مایل دریایی بیشتر باشد، خط مبدأ از نقاطی شروع می‌شود که بین جلوترین ساختمان‌های ثابت بندر در دریا واقع شده باشد.

مشاهده مختصات خطوط مبدأ مصوبه ایران در خلیج فارس بر روی نقشه نشان می‌دهد که در پاره‌ای از موارد فاصله آن تا ساحل حدود ۳۰ الی ۳۵ مایل است. این ویژگی در مورد مناطق واقع در پشت خطوط ترسیمی از نقاط ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ تا مدخل ورودی تنگه هرمز کاملاً مشهود است. از نظر توجیه حقوقی این اقدام می‌توان به سوابق موجود در کامن

الته در پاره‌ای از موارد خط مبدأ ایران تا حدود ۳۰ الی ۴۰ مایل از ساحل فاصله دارد و این امر ممکن است گاهی اوقات از نظر تردد کشتیرانی بین‌المللی و قاعده عبور بی‌ضرر ابهام یا اشکال ایجاد کند. لازم به یادآوری است که هم در کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو مربوط به دریای سرزمینی و منطقه نظارت و هم در کنوانسیون جدید ۱۹۸۲ در این مورد تأکید خاصی شده است که خطوط مبدأ ترسیمی نباید به مقدار زیاد از امتداد معمولی ساحل منحرف شود و حدود پیشروی آب‌های محصور در داخل این خطوط می‌بایست تا حد امکان متصل به قلمرو خشکی باشد تا مشمول نظام آب‌های داخلی شود.

بررسی یافته‌های پژوهش حاضر درباره فرضیه ارائه شده نشان می‌دهد که ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ که با اندکی تغییر همان ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو درباره دریای سرزمینی و منطقه تحت نظارت است، نه تنها شرایط کاربرد خطوط مبدأ بلکه ترسیم آن را هم تعیین کرده است. شرایط مزبور ناظر به طبیعت و خصوصیات جغرافیایی ساحل است و بر همین اساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۷، سه موقعیت متفاوت را در نظر گرفته؛ زمانی که سواحل بسیار دندانه‌دار و بریده بریده است یا زنجیره‌ای از سواحل در امتداد ساحل و در نزدیکی آن قرار دارد و یا مواردی که به خاطر وجود دلتا یا شرایط طبیعی دیگر،



شکل ۶. حدود مختصات قلمرو دریایی ایران

مبدأ مجموع الجزایر را تعیین کرده و به دیگر موارد نپرداخته است. به اعتقاد دولت آمریکا حداکثر طول هر قسمت از خطوط مبدأ مستقیم نباید از ۲۴ مایل بیشتر باشد، حال آنکه این ادعا هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل در رابطه با این موضوع نداشته و طبعاً نقطه پایانی بر این بحث و جدل نخواهد بود (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

بنابراین ایران تأکید دارد که از قواعد خط مبدأ تخطی نکرده است؛ از نظر ایران در ترسیم خط مبدأ اقدام لازم جهت اعمال ضوابط بین‌المللی که در کنوانسیون حقوق دریاها انعکاس یافته‌اند، معمول شده است. بر اساس بند ۳ ماده ۷ کنوانسیون حقوق دریاها؛ ترسیم خطوط مبدأ مستقیم نباید به گونه‌ای باشد که به طور محسوس از جهت کلی ساحل منحرف شوند، اما با توجه به اینکه ضوابط مربوط به ترسیم خطوط مبدأ مستقیم در ماده ۷ کنوانسیون حقوق دریاها فاقد دقت ریاضی است، ایران می‌تواند ادعا کند که ضوابط مذکور را نقض نکرده و این ادعا کاملاً پذیرفتنی است و از نظر حقوقی و موضوعی صحیح است (رنجبران و صیرفی، ۱۳۹۲: ۵۸).

۴. نتیجه‌گیری

حل کشمکش‌ها و اختلافات در قلمروهای دریایی از طریق حقوق و موازین بین‌المللی انجام یافته و این اختلاف‌ها واکنش‌هایی را در پی دارد که در حوزه جغرافیای سیاسی دریاها قرار می‌گیرد. کشورهای مختلف از طریق دامن زدن به این اختلافات و جابجایی قلمروهای دریایی سعی در افزایش منافع خود دارند که این روند مرزهای دریایی کشورها را به خطر می‌اندازد.

این قبیل مشکلات همیشه وجود داشته و از زمان تشکیل اولین کنفرانس‌ها در سطح بین‌الملل، قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده شروع به ایجاد اختلافات در این زمینه‌ها بر اساس منافع خود کرده‌اند و با نادیده گرفتن حقوق سایر کشورها، قلمروهای دریایی آنها را مورد تعرض قرار دادند

لا^۱ و حقوق داخلی انگلستان استناد کرد. یکی دیگر از این قواعد، قاعده‌ای است که در اصطلاح «حریم سلطان» نامیده می‌شود و ریشه آن به قرن هفدهم میلادی بازمی‌گردد که بعدها در قرن نوزدهم مورد استناد و استفاده حقوق‌دانان قرار گرفت. اساس کار این بود که با ترسیم یک خط مستقیم از دو دهانه خلیج، آب‌های داخلی آن بی‌طرف تلقی شود. قاعده دیگر که با قبلی مشابهت دارد، تراک فوسز^۲ است که ریشه آن از قرون وسطی ناشی می‌شود و با تعیین حدود صلاحیت قانون کامن لا دادگاه‌های دریایی^۳ در منطقه فراتر از «حریم سلطان» مرتبط است. دو قاعده مذکور به تدریج جای خود را در متون حقوق بین‌الملل باز کردند و مبنای قواعد حقوقی مربوط به خلیج‌ها شدند، افزون بر آن در کوشش‌هایی که برای تدوین حقوق دریاها در کنفرانس‌های مختلف معمول شد، مورد استناد قرار گرفتند. البته در حال حاضر قاعده ۲۴ مایل خط ترسیمی بین محل خلیج‌ها مورد قبول عام است. بدین ترتیب می‌توان گفت که چون اقدام یک جانبه ایران با اعتراض مواجه نشده، سلسله الزامات حقوقی را به وجود آورده است که به صورت تکلیفی برای کشورهای ثالث که در صدد استفاده از حق عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی‌اند، می‌بایست رعایت شود (اصغری، ۱۳۷۴: ۵۰).

به منظور حل مشکلات و دستیابی - مربوط به خط مبدأ درکل دنیا- به معیاری دقیق و عینی، کمیته کارشناسی مسائل دریای سرزمینی پیشنهاد کرد که یک میزان حداکثر برای طول قسمت‌های خطوط مستقیم تعیین شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل این راه حل را پذیرفت، ولی در کنفرانس ۱۹۵۸ ژنو نسبت به اندازه آن توافقی حاصل نشد، این موضوع باید متناسب با موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی در سراسر جهان و پاسخگوی همه ادعاها می‌بود. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز از میان خطوط مستقیم، تنها حداکثر طول خطوط

1. Common Law
2. Terrac Fauces
3. Admiralty Courts

و ناوگان جنگی این کشور و متحدانش به آب‌های سرزمینی ایران تجاوز محسوب می‌شود. بنابراین ایران به استناد به قانون حقوق دریای ۱۹۵۸ ژنو که در مطالب فوق شرح داده شد و با وجود بندرها، جزایر و دندانه‌دار بودن سواحل خلیج فارس، در سال ۱۳۵۲ خط مبدأ خود را بر اساس خط مبدأ مستقیم ترسیم کرد و با تصویب آن در مراجع ذیصلاح داخلی و خارجی آن را مبنای محاسبه مرزهای دریایی خود قرار داده است. چنانچه در تعیین وسعت و حد دریایی سرزمینی منافع ملی سیاسی و دولت‌ها مطرح است.

منابع

- احمدی دهکاء، فریرز. (۱۳۹۲). «تحلیل ژئوپلیتیکی حاکمیت دریایی ج.ا.ا. در خلیج فارس و تنگه هرمز». فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال ۱۰، شماره ۴۰. ص ۶۹-۸۰.
- الهوردی زاده، رضا و حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال ۳۰. شماره ۱۱۹. ص ۳۰-۵۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خادم‌الحسینی، احمد. (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان. تهران، انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- چرچیل، رابین رولف و آلن، لو. (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل دریاها. ترجمه: بهمن آقایی. تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ سوم.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۷۶). جغرافیای سیاسی دریاها. جزوه درسی، دانشگاه تربیت مدرس، منتشر نشده.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت. چاپ دوم.
- حافظنیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت. چاپ پنجم.
- رنجبران، امیرحسین و صیرفی، ساسان. (۱۳۹۲). «بررسی خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اعتراض کشورهای دیگر به آن». مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۴۸. ص ۳۵-۶۴.
- رنجبران، امیرحسین و صیرفی، ساسان. (۱۳۹۴). «ایران و برنامه آزادی دریانوردی آمریکا». مجله حقوقی بین‌المللی. شماره ۵۲. ص ۱۵۸-۱۲۱.
- صفوی، سیدیحیی و قنبری، علی‌اصغر. (۱۳۹۰). «پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس».

که نمونه‌های آن در خلیج فارس دیده شده است که این نقض حقوق، مخالف تعهدات در کنوانسیون‌های بین‌المللی است.

اعتراض بر سر خطوط مبدأ و سپس از طریق آن قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس از طرف آمریکا و متحدانش انجام شده است. با توجه به موازین و حقوق بین‌الملل و همچنین بررسی این قبیل مشکلات، ادعای آمریکا در این مورد خاص قابل توجیه نیست و مبنای حقوقی ندارد و ایران می‌تواند بر اساس راه‌کارهای قانونی و منافع خود، با ایجاد تعهدات دوجانبه و چندجانبه با سایر کشورهای خلیج فارس از خط مبدأ و قلمروهای دریایی خود دفاع کند. ایران در قلمروهای دریایی خود دارای منافع و قابلیت‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آنها قرار گرفتن طرح تفکیک تردد کشتی‌ها در خلیج فارس در قلمرو دریای سرزمینی ایران است.

ایران با توجه به شرایطی که حقوق بین‌الملل در نظر گرفته است، حق نظارت بر تردد کشتی‌های در حال عبور در آن منطقه را دارد که در این میان عبور کشتی‌ها و زیردریایی‌های جنگی از این منطقه و همچنین تنگه هرمز و جزایر ایران موقعیت استراتژیک ویژه‌ای به ایران بخشیده و ظرفیت استراتژیک ایران را در منطقه افزایش داده است. با توجه به اینکه خط مبدأ ایران در خلیج فارس و دریای عمان از طرف سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و مورد هیچ‌گونه اعتراض حقوقی و سیاسی قرار نگرفته است، بنابراین ادعاهای مطروحه در این زمینه مبنای حقوقی لازم را ندارد. از آنجا که خلیج فارس به‌عنوان دریای بسته و نیمه‌بسته شناخته شده و چون هیچ تکلیف حقوقی برای کشورهای اطراف دریای بسته و نیمه‌بسته که در مجاورت یا مقابل یکدیگر قرار دارند، وجود ندارد این کشورها، خود روش‌هایی را برای مرزبندی انتخاب کردند. بنابراین دخالت آمریکا به‌عنوان یک قدرت فرمانتقه‌ای توجیه‌پذیر نیست و ایران نباید از موضع خود کوتاه بیاید؛ از این‌رو هر ادعایی که از طرف آمریکا منوط بر خط مبدأ ایران مطرح شود پذیرفته شده نیست و ورود کشتی‌ها

no. 25. UN, New York. (Retrieved 2018, July. From https://www.un-ilibrary.org/international_law_and_justice/law_of_the_sea_bulletin/volume.1994/issue.25_0d1a43ff_en)

- Ong, David M. (1999). "Joint Development Of Common Offshore Oil and Gas Deposits: Mere States Practice or Customary International Law?". *The American Journal of International Law*. 93(4). P. 771-804.

- Prescott, V. (1996). "Contribution of the United Nation to Solving Boundary and Territorial Disputes, 1945-1995". *Political Geography*. Vol. 15, No.3-4. PP.287-318

- Rosenne, S. (1996). "Geography in International Maritime Boundary – Making". *Political Geography*, Vol. 15, No. 3-4. PP. 319-334

- Roughton, Dominic. (2008). *The Right (and Wrongs) of Capture: International Law and Implications of the Guyana/ Suriname Arbitration*. Herbert Smith.

- U.S Energy Information Administration EIA. Strandsbjerg, J. (2010). Cartography and Geopolitics in the Arctic Region, DIIS Working Paper Danish Institute for International Studies. (Retrieved 2018, July. From <http://www.diis.dk/sw100084.asp>)

- United Nations Convention on the Law of the Sea (with annexes, final act and procès-verbaux of rectification of the final act dated 3 March 1986 and 26 July 1993) Concluded at Montego Bay on 10 December 1982, United Nations Treaty Series, vol. 1833, 1994, pp. 396-581

- U. S . Energy Information Administration EIA(2002).

- United Nations .(1983). *The Law of the Sea*. New York: United Nations.

فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۷، شماره ۳. ص ۱-۲۴.

- طلائی، فرهاد. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل دریاها. تهران: انتشارات جنگل.

- عسکری، سهراب. (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک دریایی ایران در خلیج فارس. رساله دکترا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

- عزتی، عزت‌اله. (۱۳۹۳). جغرافیای مرزی با تأکید بر مرزهای ایران. جزوه درسی، دانشگاه شهید بهشتی، منتشر نشده.

- کاظمی، سیدعلی اصغر. (۱۳۷۴). ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- میرحیدر، دره. (۱۳۶۵). «جغرافیای سیاسی دریاها». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳. ص ۵۶-۷۶.

- میرحیدر، دره و عسکری، سهراب. (۱۳۸۲). فلات قاره ایران در خلیج فارس: چشم‌انداز ژئوپلیتیک انرژی. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴. ص ۹۹-۱۱۰.

- میرحیدر، دره و دیگران. (۱۳۸۶). «روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۳. شماره ۱. ص ۱-۲۱.

- میرحیدر، دره. (۱۳۸۹). تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات پاپلی.

- میرحیدر، دره؛ غلامی، بهادر و میراحمدی، فاطمه سادات. (۱۳۹۳). «جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل دریاها». مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۸. شماره ۲. ص ۳۶۰-۳۳۷.

- ممتاز، جمشید و رنجریان، امیرحسین. (۱۳۷۵). «تفسیر دوگانه از کنوانسیون حقوق دریاها، قانون مناطق دریایی ایران و اعتراض آمریکا». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۳۵. ص ۸۹-۱۱۳

- ممتاز، جمشید. (۱۳۷۶). ایران و حقوق بین‌الملل. تهران: نشر دادگستر.

- والاس، ربه‌کا. (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل. ترجمه محمد شریف. تهران: نشر نی.

- Adhikari, Sudeepta (1977). *Political Geography*. New Delhi: Rawat Publications.

- Dodds, K. (2010). "Flag Planting and Finger Pointing: the law of sea, the arctic and the Political Geography of the outer Continental shelf". *Political Geography*. Vol.29, No. 2. PP. 63-67

- Glassner, M . A .and de Blij, H. J. (1973) . Second edition, *Systematic Political Geography*. USA, John Wiley and Sons. Inc.

- Law of the Sea Bulletin. (1994). *Law of the Sea Bulletin*,